

## بررسی ترکیب‌بند عاشورایی محتشم کاشانی با تکیه بر اثرپذیری از پیشینیان

حمیدرضا جدیدی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۵، صفحه ۱۳ تا ۳۵ (مقاله پژوهشی)

### چکیده

مشهورترین سوگ‌سروده آیینی فارسی ترکیب‌بند عاشورایی محتشم کاشانی ست که پیوسته مورد اقبال بوده است. اثر فرهنگی و زبانی این مرثیه هنری بیش از یک شعرست؛ به شکلی که صاحب‌نظران فراوانی زبان به تحسینش گشوده‌اند و بارها مورد تقلید قرار گرفته. محتشم، مخلصانه از میراث پیشینیان خود بهره برده، با هوشمندی اثری جاودان آفریده است. در این نوشتار، اجمالاً با روش تحلیلی - توصیفی، محاسن این شعر و دیدگاه بزرگان در موردش بیان گردیده، نشان داده شده که وی چگونه از سخن‌سرایان قبلی چون خاقانی، محمد راوندی، حسن کاشی، خواجه، آذری طوسی، ابن حسام خوسفی، بابافغانی و ... بهره‌مند گشته است. در این ترکیب‌بند شاعر سعی داشته با سادگی و ظرافت، به دور از تعقیدات لفظی و معنوی، آمیزه‌ای از محاسن اشعار گذشتگان را در قالبی متناسب به شعرش بیفزاید؛ البته از عنایات ربّانی و توجه ذوات پاک معصومین (ع) و تشویق شاه صفوی در مقبولیت این شاهکار نباید چشم پوشید. دقت به ساختار این سروده نشان می‌دهد هیچ اثر ارجمندی به ویژه در عرصه ادبیات بدون بهره‌جویی از آثار شاخص پیشینیان آفریده نمی‌شود و هر نوع ادبی در حیات سبکی خود زمانی به اوج رسیده، الگوی دیگران قرار می‌گیرد اما به ندرت مقبولیت نخستینش تکرار می‌گردد.

**کلیدواژه‌ها:** محتشم کاشانی، ترکیب‌بند، اثرپذیری، پیشینیان، صفویه.

۱. استادیار گروه تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران: jadidi.hamidreza@gmail.com

## درآمد

زمان تولد شمس الشعرا، سید کمال‌الدین محتشم کاشانی فرزند خواجه میراحمد کاشانی (وفات ۹۶۲ ق)، به درستی معلوم نیست، اگر محتشم نود و یک سال زیسته باشد تولدش با توجه به سال وفات (۹۹۶ ق)، حدود ۹۰۵ ق در کاشان است. او از معاصرین شاه تهماسب صفوی (حک ۹۳۰-۹۸۴ ق) است. (بهداروند صفحه ۴۰؛ نوایی و صدیقی صص ۲۹-۳۳). شغل او شعر (ابریشم) بافی و تجارت بوده، سفری برای شرکت در سوگواریِ ضمیری به اصفهان داشته و در شعری به مسافرت خود به شیراز اشاره می‌کند. قصاید و مدایحش را به وسیله برادرش، عبدالغنی، به دربار هند ارسال و صیله دریافت می‌داشته، عبدالغنی سرانجام قربانی این سفرها می‌شود. (سادات ناصری، ۱۳۵۳ ش، ۱۱۲) در سرایش انواع شعر مهارت داشته؛ به ویژه در سرودن قصیده و غزل و ماده تاریخ یگانه عصر خود بوده است. دوره حیاتش در بحبوحه قدرتمندی روحانیت شیعی و رواج تعصبات مذهبی بوده؛ از این جهت دوازده بندش، آثار دیگرش را تحت الشعاع قرار داده، از نمونه‌های برجسته اشعار تعزیت و مرثیت فارسی است که نامش را در تمام ممالک اسلامی به اعلی درجه شهرت رسانیده. آثارش عبارتند از: رساله‌های جلالیه و نقل عشاق، دیوان‌های غزلیات (صباییه، شباییه)، رباعیات، ترکیب‌بندها، قصاید، قطعات، مثنویات، هجویات و حدوداً هفتاد رباعی و معماً مقبره‌اش در محتشمیه کاشان است. در رساله جلالیه اشاراتی به مراتب عرفانش شده تا همگان وی را عارفی مجذوب و شاعری مسلمان و متعهد بشناسند. هفت‌بند او در مدح امیرالمؤمنین علی (ع) و ترکیب‌بند عاشورائیش او را جزو شاعران مهم آیینی آورده است. (ر.ک. بهداروند، ۱۳۸۵ ش مقدمه دیوان؛ صفا، ۱۳۷۱ ش، ۵/۲، ۷۹۵) با شاعران هم‌روزگارش چون حیرتی تونی، حالی گیلانی، مجاهدی خوانساری، محمد کرمانی، سلمان جابری اصفهانی، ضمیری اصفهانی، وحشی بافقی و دیگران رابطه داشته و با ایشان مکاتبه و مشاعره می‌کرده. از مهارت در شعر ثروتی اندوخت و زندگی پرشکوهی ترتیب داد. محتشم، شاه تهماسب صفوی، غیاث‌الدین میرمیران، فرزندان تهماسب (اسماعیل، محمد خدابنده، حمزه و پری)، پادشاهان دکن، جلال‌الدین اکبر شاه، میرزا عبدالرحیم خان خانان سپهسالار اکبر و... مدح گفته است. (صفا، ۱۳۷۱ ش ۵/۲، ۷۹۳) شاگردش میر تقی‌الدین محمد حسینی کاشانی پس از وفاتش کلیات او را فراهم آورده است. در شاعری از شیوه شاعران پیش از خود تقلید کرده. (همان، ۷۹۵)

او با سرودن مرثی، قدرت خود را در فن‌رثا بازیافت. مدیحه وی در جلوس شاه تهماسب اگرچه مورد توجه واقع شد اما امر شاه صفوی و تشویق او به سرایش اشعار و مدایح مذهبی تعلق گرفت. این وقایع باعث شد او به اشعار دینی روی آورده، با سرودن مرثیه معروف خود به جایگاهی فاخر دست یابد. «تأثیر این ترکیب‌بند به گونه‌ای است که بعد از گذشت چهار سده هنوز کتیبه آن بر

در دیوار هر عزاخانه و حسینیه و تکیه و سقاخانه نقش بسته است و زینت بخش حجله شهدای راهبان کربلا است و معتقدان آن همواره از آن کتیبه‌ها تبرک می‌جویند و به جای لبان محتشم بر ابیات جانگدازش بوسه می‌زنند. در واقع ادبیات رسمی شیعه همچنان در تصرف او باقی است.» (نیر تهرانی، ۱۳۷۳ ش، ۲۴) «این که بعضی احتمال داده‌اند که هنگام سرودن این ترکیب‌بند، محتشم از مرگ برادرش عبدالغنی تأثری شدید داشته است، به هیچ وجه درست نیست زیرا این برادر در ۹۵۰ق به روزگار جوانی در چهل سالگی درگذشته است.» (سادات ناصری، ۱۳۶۴ ش، ۲۵) یعنی فاصله ساخت ترکیب یازده بندی او به مطلع:

ستیزه‌گر فلک از جفا و جور تو داد نفاق پیشه سپهر، ز کینه‌ات فریاد

با ترکیب دوازده بندیش حدوداً ۲۰ سال بوده است. (همان)

صفویان «صلاح دنیای خود را در این می‌دیدند که در برابر قلمرو گسترده عثمانی قد علم کرده و از احساسات مذهبی مردم استفاده کنند و جهت رسیدن به این هدف لازم می‌دانستند که شاعران مذهب شیعه را رواج دهند تا در برابر دولت مقتدر و سنی مذهب متعصب عثمانی عرض وجود نمایند.» (رکنی، ۱۳۷۱ ش، ۲۵). در این روزگار محتشم ترکیب‌بند پرشور خود را سرود و پس از آن، اوقات خود را صرف ویرایشش نمود. رمز موفقیت این ترکیب‌بند را در سه عامل دانسته‌اند: جنبه هنری، تجسم عینی عظمت حادثه، تحت تأثیر قرار دادن عواطف و احساسات رقیق در شنونده (همان: ۲۶) بر اینها تفضل حضرات معصومین در رؤیای صادقه به شاعر را نیز باید افزود. (ر.ک. شفیع مازندرانی، ۱۳۸۰ ش، ۱۹)

#### پیشینه تحقیق

مجاهدی (۱۳۷۹) در کتاب شکوه شعر عاشورا؛ کافی (۱۳۸۸) در شرح منظومه ظهر و درگاهی و همکاران (۱۳۷۸) در شورش در خلق عالم، به بعضی اثرپذیری‌های محتشم از شاعران گذشته اشاراتی داشته‌اند ولی بیشتر تکیه آنها بر تأثیرپذیرفتن شاعران دیگر از سروده محتشم متمرکز بوده است. نگارنده در فصل هفتم از کتاب بن‌دبند عشق (۱۳۹۴ ش، ۱۱۷-۱۴۵) و بخش اول کتاب عطش، آتش و فرات (۱۳۹۵ ش، ۱۹-۲۰) به بازتاب سروده‌های شاعران پیشین در ترکیب‌بند مشهور محتشم پرداخته و کوره‌ای و ماهیار (۱۳۹۱ ش، ۲۷۷-۳۰۱) در مقاله «نگاهی به مقاتل حسین بن علی (ع) و ترکیب بند محتشم کاشانی» از اثرپذیری محتشم از پیشینیان اشاراتی داشته‌اند.

#### صاحب نظران و این سوگواره

اقبال کار محتشم چنان بود که حتی شخصیتی نظیر علامه بحر العلوم را به استقبال از شعرش به زبان عربی واداشت در شعری با مطلع:

بررسی ترکیب‌بند عاشورایی محتشم کاشانی با تکیه بر اثرپذیری از پیشینیان

اللَّهُ أَكْبَرُ مَا ذَا لِحَادِثِ الْجَلَلِ فَقَدْ تَزَلَزَلَ سَهْلُ الْأَرْضِ وَالْجَبَلُ

(ر.ک. مجاهدی، ۱۳۷۹ش، ۸۸؛ آل بویه لنگرودی و دیگران، ۱۳۹۲ش، ۱-۳۲) وفای شیرازی برای کامل شدنش، بند دوازدهمی بدان افزود. تعداد ابیات هر بند از این ترکیب دوازده بیت بوده. گویا بحرالعلوم به سبب غیبت حضرت ولی عصر(عج) بند دوازدهم را عامداً نسروده. (مجاهدی، ۱۳۷۹ش، ۹۰) شیخ عباس قمی(۱۳۹۱ش، ۲۵۲) فرموده: «محتشم شاعر صاحب مرثیاتی معروف که در جمیع تکایا و مجالس ماتم ابا عبدالله الحسین(ع) بر در و دیوار آن نصب شده است. گویا آن اشعار از حزن و اندوه نگاشته شده یا از خاک کربلا سرشته شده است... مثل مصیبت حضرت ابا عبدالله(ع) به هیچ وجه مُندرس نمی‌شود و این عظمت، بزرگی مرتبت و کثرت معرفت محتشم را هویدا می‌سازد.» میرزا عبدالرزاق خوافی آورده: «مرثیه سیدالشهدا خامس آل عبا که مولانا محتشم در سبک نظم آورده گوشواره گوش سخنوران است و بر مرثیه شیخ آذری که هیچ‌کس از شعرا تتبع آن نتوانستند کرد، رُحجان تمام دارد.» (صفا، ۱۳۷۱ش، ۵/۱، ۶۲۴) غلامحسین یوسفی(۱۳۸۸ش، ۲۸۰) گفته: «حُسن قریحه و لطف‌بیان محتشم کاشانی را نیز در شیوایی و رواج ترکیب‌بند او نباید فراموش کرد. خاصه آنکه سرودن مرثیه در مصائب خاندان پیامبر(ص) پیشینه دیرینه داشت... شهرت وی در مرثیه سرایی به خصوص در دوازده بند منظور، از پیشینیان در گذشته چندان که به قول آذر بیگدلی دوازده بند او در اکثر بلاد اسلام بین الخاصّ و العام شهره است.» علی موسوی گرمارودی در مقدمه کتاب چراغ صاعقه پس از باز شماری مرثیه سرایان و ذکر شأن آنان می‌گوید: «اگر بخواهیم از میان تمام این سخنوران یک نفر را در میان مرثیه سرایان انتخاب کنیم، آن یک نفر محتشم کاشانی است.» (انسانی، ۱۳۸۲ش، ۲۱) استاد صفا آورده‌اند: «... اهمیت کار محتشم در آن است که ساختن مرثیاتی اهل بیت را، که البته سابقه‌ای طولانی پیش از او داشت رواجی تازه بخشید. چنان‌که از میان مرثیه‌های شهیدان کربلا شأنی دیگر و شرف و قبولی بالاتر یافت و اگرچه چند تن از شاعران بعد از او کوشیدند که نظیر آن را بیاورند، لیکن هنوز ترکیب‌بند محتشم بهترین و مؤثرترین آنها شناخته می‌شود.» (صفا، ۱۳۷۱ش، ۵/۱، ۶۲۴) استاد زرین‌کوب(۱۳۷۵ش، ۴۳۴) گفته: «دوازده بند وی در مرثیه شهیدان کربلا هم شهرت و انعکاس فوق‌العاده و تأثیر و قبول بی‌نظیری در ادبیات ایران بعد از صفوی دارد و بسیاری از شعرای صاحب قریحه مثل صباحی کاشی و وصال شیرازی نیز در تقلید آن اهتمام کرده‌اند و با این همه به قدرت و تأثیر آن دست نیافته‌اند.» یان ریپکا: (۱۳۸۳ش، ۴۳۱) «اگرچه شعر او بیانگر تعصب شیعی است، اما شاعر آن شیعه متعصبی نیست. محتشم که بازرگانی ابریشم کرده بود در شاعری بارها کامیاب‌تر بوده، در بازی‌های لفظی شعر عصر صفویّه پیشرو است.»

«محتشم را باید قافله سالار شعر عاشورا در زبان فارسی دانست، زیرا دوازده بند عاشورایی او در چهار سده اخیر مورد اقبال فراگیر شیفتگان ادب عاشورا قرار گرفته و تأثیر شگرف و بی سابقه‌ای در بالندگی شعر عاشورا در زبان فارسی داشته و نام او برای همیشه با واقعه عاشورا و مرثیه کربلا گره خورده است.» (مجاهدی، ۱۳۸۶ش، ۱۵۴) بدون تردید هیچ اثر منظوم عاشورایی در زبان فارسی به اندازه دوازده بند محتشم کاشانی مورد اقبال فراگیر قرار نگرفته و تأثیر دامنه دار این اثر ماندگار را می‌توان در پیشینه چهار سده اخیر شعر عاشورا در زبان فارسی ملاحظه کرد.... آواز، دوازده بند محتشم حتی از مرزهای جغرافیایی ایران فراتر رفته و در کشورهای چون هندوستان، پاکستان، افغانستان و تاجیکستان علاقه‌مندان زیادی دارد. (همان: ۱۵۵) استاد سادات ناصری (۱۳۶۴ش، ۲۵) فائلد: «به هراندازه که این واقعه، جانسوز و عظیم است و هرگز به مرور ایام و گذشت روزگاران کهنگی نمی‌پذیرد، این سروده نیز در پهنه گیتی روز هر روز تازه‌تر و جاویدان‌تر خواهد ماند... هرگز از مقوله مرثی در پارسی و تازی سخنی دقیق‌تر و به آیین‌تر و مؤثرتر و مُثمرتر و سنجیده‌تر و پرسوزتر از این ترکیب‌بند بلند نیافته‌ام.»

### زیبایی‌شناسی ترکیب محتشم

محتشم شعرش را «حرف سوزناک»، «شعر خون چکان» و «نظم گریه خیز» خوانده، سوز و تأثیر شعرش به حدی است که ادوارد براون آن را، نظیر قصاید ناصر خسرو، شعری صمیمی، طبیعی و پراحساس می‌داند و یان ریپکا از صفا و صداقت این اثر شور انگیز سخن می‌گوید. (مجاهدی، ۱۳۷۹ش، ۸۲) این سوگنامه با ساختار متناسب روح تازه‌ای در کالبد شعر ماتمی فارسی دمید. هرچند در آن مفاهیم ارزشی عاشورا و بیان فلسفه قیام امام کم رنگ است و بسیاری از گناهان بر دوش آسمان و زمین و روزگار حمل می‌شود اما جنبشی که در اشعار مذهبی و آیینی ایجاد کرد انکار نکردنی است. سادگی زبان و شیوه سهل ممتنع از دلایل جذابیت این سروده است. واژه‌هایی چون: «ذروه، عیوق، نشور، سُرادق، عَماری و بضعه» سخت‌ترین کلمات آنند که برای آشنایان با شعر آیینی و مرثی مذهبی کلمات غریبی نیستند. همین سادگی، ارتباط خوانندگان شعر را با مضامین و مفاهیم تسهیل می‌کند. در ادامه اجمالاً به جلوه‌های مهم زیبایی‌شناسی و استفاده از آرایه‌های لفظی و معنوی (تلمیح، تشبیه، استعاره، واج‌آرایی، تشخیص، اغراق، کنایه، ارسال مَثَل) در این ترکیب‌بند می‌پردازیم.

\*ابیات این سروده در نوشتار پیش‌رو از دیوان محتشم به کوشش اکبر بهداروند است. (۱۳۸۵ش،

۵۳۳-۵۳۸)

\*بند اول: با مطلعی تکان‌دهنده آغاز می‌شود، پنج جمله استهفامی مندرج است و با ذکر عباراتی چون «شورش در خلق عالم» و «رستخیز عظیم» بر اهمیت واقعه کربلا افزوده شده و واژه «محرّم» در

جایگاه قافیه خواننده را سخت تحت تأثیر قرار می‌دهد. در بیت دوم واژگان «رستخیز، نفخ صور، عرش اعظم» قیامت را در ذهن مخاطب به تصویر می‌کشد. در بیت سوم با آوردن ترکیب «صبح تیره» و «درهم» قیامت را به طلوع آفتاب از مغرب تعبیر کرده است و محرم را «قیامت دنیا» و «رستخیز عام» پنداشته است که تمام موجودات بارگاه قدس الهی و فرشتگان و جن و انس را در حال عزا و نوحه‌گر می‌بیند. در واقع بند اول، تصویری از اضطراب و التهاب عزادارانی است که ریشه در عقایدشان دارد. دو بیت آغازین تلمیحی دارد به آیات ۱۸ نبأ و ۲۰ قاف: *يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا* (روزی که در صور دمیده شود و گروه گروه بیایید)؛ *يُنْفَخُ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمَ الْوَعِيدِ* (در صور دمیده شود و این روز وعده عذاب است). مضمون بیت چهارم (گویا طلوع می‌کند از مغرب آفتاب...) یادآور روایت‌هایی از پیامبر و ائمه در نشانه‌های قیامت و ظهور قائم (طلوع خورشید از مغرب) است. (ر.ک. قمی، علی‌بن‌ابراهیم، ۱۳۱۳ش، ۱/ ۱۹۸) شیخ مفید در ارشاد (۱۳۹۶ق، ۲/ ۳۸۶) با اشاره به چگونگی وقوع این امر، می‌گوید: «خورشید هنگام ظهر در آسمان راکد می‌شود و ساعتی چند تا به عصر پیدا نباشد آنگاه از مغرب آشکار گردد.» همچنین در مورد اتمام فرصت توبه که با قیامت هم زمان می‌شود از قول رسول اکرم (ص) آمده: «حق تعالی را دری است که جانب مشرق پدید آید، آن در بنبد تا آفتاب از مغرب برآید؛ یعنی تا به قیامت در توبه بر عاصیان گشوده است.» (صدری نیا، ۱۳۸۰ش، ۱۴۱) بیت ششم (درباره فلس...) در بسیاری از روایات و زیارتنامه‌ها به برقراری عزای حضرت سیدالشهدا به وسیله ملائک و بهشتیان و پیامبران در بهشت و تسلیت آنها به پیامبر و حضرت فاطمه و... اشاره شده، از جمله در فرازهایی از زیارت ناحیه مقدسه می‌خوانیم: «فرشتگان الهی به پیامبر (ص) تسلیت گفتند و قلب مهربان مادرت زهرا به خاطر تو افسرده و غمگین گردید و سپاهی از فرشتگان بلند مرتبه به پدر بزرگوارت علی (ع) تسلیت عرض نمودند. در بالاترین مرتبه بهشت برایت محفل سوگواری بر پا شد و زنان سیاه چشم بهشتی در ماتم تو بر سر و صورت زدند.» (جدیدی، ۱۳۹۲ش، ۴۸) همچنین به نوحه و عزاداری جان بر مصیبت امام حسین (ع) در آثار زیادی اشاره شده است. (ر.ک. محدثی، ۱۳۸۶ش، ۴۴۹-۴۵۰؛ قمی، ابوالقاسم، ۱۳۸۴ش، ۳۰۱)

\*بند دوم: با عباراتی چون «کشتی شکست خورده طوفان کربلا»، «در خاک و خون تپیده میدان کربلا» و قرار گرفتن «کربلا» در جایگاه قافیه به مظلومیت شهیدان کربلا اشاره شده است. همچنین با آوردن واژه‌های گُل، گلاب، شکفته و بوستان تناسب ایجاد شده، کشته شدن عطشان شهیدان کربلا و بی‌وفایی کوفیان و «فرايد العطش» از مضامین معروف در مرثی کربلاست که ذهن شاعر آن را به «عیوق» رسانده‌ست و همچنین حمله به خیمه‌های خانواده پیغمبر و آتش غیرت در فلک افتادن از دیگر مضامینی است که خون خلق را به جوش آورده. همچنین «کشتی شکست خورده طوفان کربلا»

اشاره به این جمله معروف است: إِنَّ الْحُسَيْنَ مِصْبَاحَ الْهُدَى وَ سَفِينَةَ النَّجَاهِ. بیت چهارم (از آب هم مضایقه ...) اشاره به بی وفایی اهل کوفه و غدر ایشان با اهل بیت دارد یادآور مَثَل: الْكُوفِيُّ لَا يُوفِي. (دهخدا، ۱۳۷۴ ش، ۱/۲۶۹) امام نیز در عاشورا خطاب به آنها فرمود: ای کوفیان وای بر شما، زشت باد کارتان! ما را به یاری فراخواندید، چون نزد شما آمدیم و ندایتان را پاسخ گفتیم، همان شمشیرها را که با ما هم قسم بود به روی ما کشیدید. (ر.ک. شریفی و همکاران، ۱۳۹۰ ش، ۴۶۷-۴۸۸) بیت پنجم (بودند دیو و دد همه سیراب ...) به داستان خاتم گم کردن سلیمان که از تفاسیر آیات قرآنی بدان پرداخته شده اشاره دارد. (ر.ک. شمسپا، ۱۳۶۹ ش، ۳۳۳-۳۴۳). «سلیمان» استعاره از امام حسین (ع) است. در بیت ششم ارتباط بین عیوق و تشنگان و مراعات النظیر با العطش قابل تأمل است. عیوق از ستارگان پر نور و سرخ رنگ است و در میان عرب بادیه نشین معروف است که تشنگان اگر به آن بنگرند رفع عطششان خواهد شد. (ر.ک. طوسی، ۱۳۴۸ ش، ۴۱۱) همچنین در تاریخ نجوم اسلامی آمده تشنگان با نگاه کردن به عیوق سیراب شوند. (شمیسا، ۱۳۷۷ ش، ۲/۸۴۷) بیت هفتم و هشتم این بند نیز صحنه هجوم هولناک دشمنان به خیمه گاه امام تصویر شده.

\*بند سوم: عباراتی چون «کاش آن زمان» و تکرار و تکیه صوتی، موجب تأکید معنی و مضمون سخن شده است و بیان حسرت شاعر و اثر این مصیبت در ارکان جهان؛ همین تکرار باعث جلب توجه و مقدمه برای هم خوانی و هم آوایی است و با آوردن تصاویر و ترکیب‌هایی چون «سُرادق گردون» و «خرگه بلند ستون» و با انعکاس قافیه‌های هر دو مصراع در این دو ترکیب، شعر را آهنگین ساخته است و ترکیب‌هایی چون «سیلِ سیه» و «قیرگون» از حیث رنگ، نوعی هم آهنگی با یکدیگر دارند و آمدن «از کوه به کوه» نمایانگر وسعت دامنه مضمون است و برای تأثیر بیشتر بین واژه‌های «پیکر، جان، درون، برون، کشتی، غرقه و دریای خون» تناسب برقرار شده است. آرزوی «سیماب‌وار بی‌سکون» شدن «گوی زمین» از این حرکت آسمان، بسیار شاعرانه است. در پایان این بند شاعر به تظلم و دادخواهی پرداخته است که اگر انتقام این عمل به قیامت موکول نمی‌شد چه بلاهایی بر سر این جهان می‌آمد (آن انتقام گرفتاری ...) آنچه مسلم است هیچ خونی نمی‌تواند با خون خلیفه خدا در زمین، یعنی حسین (ع) برابر تلقی شود، او ثارالله است و در این دنیا نمی‌توان انتقام خون به ناحق ریخته‌اش را از کسی ستاند؛ لذا انتقام آن خون به قیامت حواله شده و پروردگار خونبهای وی را پذیرفته. در بسیاری از زیارات از جمله زیارت مخصوص امام در اوّل و نیمه رجب و شعبان و عرفه و عاشورا و آنچه امام صادق (ع) فرموده، امام حسین را با عنوان «ثارالله» و «ابن ثاره» نامیده‌اند. (ر.ک. قمی، ۱۳۸۱ ش)

\*بند چهارم: شهادت جانگداز امام و بازتابش در عالم تصویر شده. آوردن عباراتی چون: شکست بر ارکان دین افتادن و برخاستن طوفان از زمین بر آسمان، در هیجان افتادن مزار پیامبر در مدینه و فلک هفتم، سیاه‌پوش شدن عیسی گردون‌نشین، نهایت اضطراب و بی‌تابی و جوشش زمین و زمان در ذهن متبادر شده است. در ادامه آوردن ترکیب «ستم‌آباد» در خطاب به چرخ و تکیه بر بیدادی که رخ داده، گویا بغض شاعر می‌ترکد. در ابیات چهارم و پنجم به مقایسه امام و یزید پرداخته، امید شاعر به کیفر خدایی در محشر بیان شده است. در مطلع بند (بر خوان غم ...) تلمیح به جمله معروف «الْبَلَاءُ لِلْوَلَاءِ» و ضربت خوردن علی(ع) و در ادامه تلمیح به جسارت به ساحت مقدسه حضرت زهرا(س) و مسموم کردن امام حسن(ع) دیده می‌شود. از پیامبر(ص) نیز منقول است که «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا ابْتَلَاهُ» (صدری نیا، ۱۳۸۰ش، ۲۲) در جای دیگر آمده «أَشَدُّ الْبَلَاءِ بِالْأَنْبِيَاءِ ثُمَّ الْأَوْلِيَاءِ ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَلِأَمْثَلِ»، (سخت‌ترین بلاها از آن پیامبران و سپس از آن اولیا و بعد از آن برگزیدگان، مرتبه به مرتبه است). (همان: ۹۴) در بیت پایانی (روح الامین نهاده به زانو...) به سوگ ملائک اشاره شده آن گونه که در زیارت ناحیه مقدسه آمده: سلام بر آنکه فرشتگان آسمان بر او گریستند. (جدیدی، ۱۳۹۲ش، ۲۲) و نیز با توجه به مصراع پایانی (تاریک شد ز دیدن آن چشم آفتاب) منقول است وقتی حسین(ع) کشته شد، آسمان سیاه و تاریک گردید و ستارگان آشکار شدند. همچنین در تعلیقات کتاب لهوف آمده: «مشهور است آفتاب روز عاشورا برای قتل حسین(ع) چنان گرفت که نیمه روز ستاره‌ها پدید شدند،» بیهقی و دیگران آن را روایت کردند. (ابن طاووس ۱۳۸۱ش، تعلیقات، ۳۲۲)

\*بند پنجم: بازتاب شهادت امام در زمین و بهشت و آسمان بیان شده؛ (یکباره جامه در خُم گردون...) اعتقاد مسلمانان طبق نص قرآن مجید این است که حضرت مسیح به صلیب کشیده نشده است و لکن خدا او را به سوی خویش بلند کرده است. (نساء: ۱۵۷) لذا در بسیاری از تفاسیر جایگاه عیسی را در آسمان چهارم یا آسمان دوم یا پیرامون عرش یا بیت‌المعمور دانسته‌اند.

\*بند ششم: بیت هفتم (از صاحب حرم چه توقع کنند باز...). به آیه ۹۵ مائده و نیز به حج نامتمام امام حسین(ع) اشاره شده که: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيِّدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ. در بیت پایانی (پس بر سنان کنند سری را ...) به واقعه بر نی کردن سر امام و لطف جبرئیل بر آن حضرت در طفولیت اشاره شده و اینکه جبرئیل بر وجود مبارک سید الشهداء مباهات می‌کند. (ر.ک. جدیدی، ۱۳۹۲ش، ۱۳۶)

\*بند هفتم: حوادث پس از شهادت امام و بر نیزه رفتن رأس مبارکشان ذکر شده، اوج تصویرپردازی در بیت سوم (گفتی تمام زلزله شد ...) است که اشاره به آیات فراوانی از قرآن دارد؛ مثل آغاز سوره‌های زلزال و حج.



\*بند هشتم و نهم: گذر کاروان اُسرا از کنار نعش شهیدان به تصویر کشیده شده، از بزرگی این مصیبت آهوان رمیدند و طایران از آشیان افتادند که نشان از تسلط محتشم بر مقاتل دارد. در بیت پایانی (پس با زبان پُر گله آن بَضَعَه الرَّسُول...) سخنان حضرت زینب در مواجهه با جسم پاره پاره شهیدان و سیدالشهدا، خطاب به رسول اکرم(ص) در مدینه در بند نهم آمده که بندی جانسوز و پر تأثیر است و ردیف «حسین توست» سوزناکی این بند را دوچندان کرده. حضرت زینب فرمودند: یا مُحَمَّدًا صَلِّ عَلَیْكَ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ، هَذَا حُسَيْنٌ مُرْمَلٌ بِالْدَمَاءِ، مُقَطَّعُ الْأَعْضَاءِ... یا مُحَمَّدَاهُ هَذَا حُسَيْنٌ بِالْعَرَاءِ تَسْفَى عَلَيْهِ رِيحُ الصَّبَاةِ، قَتِيلِ أَوْلَادِ الْبَغَايَا: ای محمد، این حسین توست که به خون غلتیده، اعضایش قطعه قطعه شده. این حسین توست که بر هامون و دشت افتاده و باد صبا بر پیکر بی جانش خاک می‌پاشد و به دست فرزندان زنزادگان کشته شده است. (ابن طاووس، ۱۳۸۱ش، ۱۸۲) آنگاه سخنان حضرت زینب خطاب به مادرشان حضرت زهرا ذکر شده.

\*بند دهم نیز توصیفی جانگداز از وقایع پس از عاشوراست، در بیت پایانی (یا بَضَعَه الرَّسُولِ ز ابن زیاد داد...) اشاره به جمله معروف حضرت رسول اکرم(ص) در مورد حضرت فاطمه زهرا(س) که فرمودند: فاطمه پاره تن من است، آنکه وی را شادمان سازد مرا شاد ساخته و کسی که وی را بیازارد مرا آزار رسانده است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۴۳/۳۹۰)

\*بند یازدهم و دوازدهم: با التزام جمله «خاموش محتشم که» در آغاز ابیات، عظیم بودن این مصیبت بی‌مانند فریاد شده، گویی شاعر فارغ از همگان، برای خود روضه می‌خواند. در پایان چرخ و زمانه و ستمگرانی چون یزید و ابن زیاد مورد عتاب قرار گرفته‌اند و اینکه یزید میوه شجره ملعونه مذکور در قرآن است. (اسراء: ۶۰) بیت هفتم در نهایت هنرمندی تلمیحی معروف در خود دارد و آن هم بوسیدن حلق و گلوی امام حسین(ع) به وسیله حضرت رسول اکرم(ص) است (حلقی که سوده لعل لب خود نبی بر آن...) کلمه قافیه به اشکال «فولاد» و «بیداد» نیز آمده که «پولاد» خوش آهنگ‌تر و زیباتر است؛ اگر «بیداد» قافیه شود، چون در مصراع اوّل بند هم آمده، تکرار می‌شود.

خلاصه آنکه جامعیت معانی و موضوعات، لحن حماسی و شکوهمند، پرسوزی و دردآوری، تصویرپردازی و دوری از ترک ادب شرعی از ویژگی‌های این شاهکار است. زبان محتشم در این سروده ساده، بدون تعقید لفظی و معنوی است و همین مسائل به جاودانگی اثرش کمک شایانی کرده.

#### بازتاب اشعار پیشینیان در آفرینش این سوگنامه

مرثیه‌سرایی در ادبیات ما پیشینه کهنی دارد و شاعران فراوانی در این حوزه طبع آزمایی کرده‌اند؛ از سده ششم هجری «مراثی» به صورتی گسترده‌تر در ردیف سروده‌های ماندگار غنایی و جاوید ادب فارسی قرار گرفته‌اند. محتشم نیز به گواه اشعارش، اشراف خوبی بر اشعار گذشتگان داشته است.

## بررسی ترکیب‌بند عاشورایی محتشم کاشانی با تکیه بر اثرپذیری از پیشینیان

هیچ شاعر ادبی بدون تکیه بر آثار گذشتگان پدید نمی‌آید و سوگ‌سروده‌ها نیز از این سخن مستثنی نیست. در ادامه به اختصار بازتاب بعضی از این تأثیرات ذکر می‌گردد:

**الف. خاقانی شروانی:** (۵۲۰-۵۹۵ ق): افضل‌الدین بدیل، معروف به خاقانی حدود ۵۲۰ ق در شروان به دنیا آمد. پدرش نجار و مادرش کنیزکی نسطوری بود. پدر او را به برادر خود کافی‌الدین که پزشک و فیلسوف و منجمی توانا و ادیبی مبرز بود سپرد و او اولین استاد خاقانی و ابوالعالی گنجوی پدر زن و استاد دیگرش بوده است. او به سنایی ارادتی تمام داشت. مرگ عمو و پسرعمو و زن و همسر بر روحیه لطیف او بسیار تأثیر گذاشت. منوچهر و آخستان از جمله ممدوحان وی بودند. او با شاعران همروزگارش مراد داشته و بسیاری را مدح یا هجو کرده است. به عربی نیز شعر می‌گفته، از نظر فکری به مکتب اشعری و از نظر فقهی شافعی مذهب بوده ولی به اهل بیت پیامبر (ص) بسیار حرمت می‌نهاده است. اشعارش مورد توجه شاعران پس از وی قرار گرفته و در ۵۹۵ ق از دنیا رفته، در مقبره الشعرای تبریز مدفون است. (ر.ک. مقدمه دیوان خاقانی، ۱۳۷۳ش؛ ترکی، ۱۳۸۸ش «خاقانی»)

شعر خاقانی پیوسته مورد توجه بوده، به ویژه سبک سوگنامه سرایی او مورد تقلید قرار گرفته و در عرصه اشعار آیینی نیز وی یکی از پیشگامان است. خاقانی ترکیب‌بندی در مرثیه شهدای کربلا نسروده اما تلمیحاتش در مورد این واقعه و سبک مرثیه پردازیش در قالب ترکیب‌بند بسیار مهم است. چند سوگنامه در قالب ترکیب‌بند در دیوان خاقانی ملاحظه می‌شود: در سوگ فخرالدین منوچهرشروانشاه، عضدالدین فربرز و خواهر او الجیجک خاتون، خواجه ابوالفوارس و رشیدالدین فرزندش. (ر.ک. خاقانی، ۱۳۷۳ش)، در این اشعار خاقانی با زبانی سخته و بیانی محکم و تأثیرگذار حکمت و جهانبینی خویش را در شکلی هنری و زیبا ارائه کرده که بی‌گمان ظرفیت‌های قالب ترکیب‌بند را مخصوصاً برای سوگ‌سروده‌ها برای سخن‌سنجان پس از خویش از جمله محتشم آشکار ساخته است. محتشم از قصاید سوزناک خاقانی تأثیر فراوانی پذیرفته؛ مثلاً از شعر او در مرثیه امام محمد بن یحیی در حمله غزان به سال ۵۴۹ با مطلع: آن مصر مملکت که تو دیدی خراب شد (همان، ۱۵۳-۱۵۸)

وان نیل مکرمت که شنیدی سراب شد  
بنیاد صبر و خانه طاقت خراب شد  
و اکنون بر آن زغال جگرها کباب شد  
مرغ هوا و ماهی دریا کباب شد

خاقانی: آن مصر مملکت که تو دیدی خراب شد  
محتشم: خاموش محتشم که دل سنگ آب شد  
خاقانی: سرو سعادت از تف خذلان زغال گشت  
محتشم: خاموش محتشم که از این حرف سوزناک

خاقانی: از سیل اشک بر سر طوفان حادثه  
محتشم: خاموش محتشم که فلک بس که خون‌گریست

خاقانی: افلاک را لباس مصیبت بساط گشت  
محتشم: خاموش محتشم که ز ذکر غم حسین

خاقانی: ماتم سرای گشت سپهر چهارمین  
محتشم: روح الامین نهاده به زانو سر حجاب

همچنین قصیده دیگر در رثای فرزندش رشیدالدین در ۸۷ بیت سروده (همان، ۱۵۸-۱۶۲)

خاقانی: چل‌گر سرشک‌خون ز برخاک درگذشت  
محتشم: خاموش محتشم که به سوز تو آفتاب

خاقانی: عاقل کجا رود که جهان دار ظلم گشت  
محتشم: خاموش محتشم که ازین شعر خون چکان

خاقانی: افلاک را لباس مصیبت بساط گشت  
محتشم: خاموش محتشم که ز ذکر غم حسین

خاقانی: دوش آن زمان که طره شب شانه کرد چرخ  
محتشم: پس بر سنان کنند سوری را که جبرئیل

ب. راوندی، محمد بن علی بن سلیمان (تولد حدود ۵۵۰ ق): از مورخان، ادبا، شاعران و هنرمندان اواخر سلجوقی است. تولدش بین ۵۵۰ تا ۵۵۵ ق و اصلاً از مردم راوند کاشان بوده. دایی او تاج‌الدین احمد از علمای روزگار، سرپرستی وی را عهده‌دار شد و همراه محمد به سفرهایی رفتند و ضمن دانش‌اندوزی، خط و تذهیب و تجلید را آموخت، در ۵۹۹ تألیف اثر معروفش *راحه‌الصّدور* را آغاز کرد و در ۶۰۱ به پایان رساند. راوندی حنفی مذهب بود. هوشی سرشار و قلمی توانا داشت و حکایات و آیات و روایات و امثال و حکم عربی و فارسی فراوانی در حفظ داشت. سروده‌های راوندی به لحاظ شعری متوسط است. برخی سروده‌هایش استوار است به ویژه مرثیه‌ای سوزناک و تأثیرگذار در مرگ *علاءالدوله* عرب شاه سروده که شاید الهام بخش مرثیه معروف محتشم کاشانی باشد. (شکوهی، ۱۳۸۸ش، «راوندی») از او آثار دیگری نیز در دست است. از امتیازات ادبی *راحه‌الصّدور* ایراد قصانندی تمام از شاعران قرن ششم است. (صفا، ۱۳۷۱ش، ۲/ ۱۰۱۱) قراین گواهی می‌دهد ترکیب‌بند راوندی، بر شعر محتشم اثرگذار بوده است. گویا محتشم اطلاعی از نام سراینده نداشته یا از طریق واعظان یا نوحه‌خوانان در منابر و هیأت‌ها در ایام محرم بندهایی از این ترکیب را که اشاره به واقعه کربلا دارد شنیده، این شعر در بین خاص و عام شهرتی داشته و از قدیمی‌ترین

## بررسی ترکیب‌بند عاشورایی محتشم کاشانی با تکیه بر اثرپذیری از پیشینیان

اشعار در این قالب با موضوع مرثیه حضرت سید الشهدا (ع) در ادب فارسی است که به ذکر بعضی اثرپذیری‌ها و شباهت‌های سروده محتشم با این مرثیه اشاره می‌کنیم. (ر.ک. راوندی، ۱۳۶۴ش، ۴۶۷) ترکیب پنج‌بندی مرثیه علاءالدوله عرب شاه بسیار زیباست و به ویژه مطلع و بند اول آن با ردیف «فتاد» قابل تأمل است. (ر.ک. همان: ۳۵۳-۳۵۵) مطلع بند دوم:

گیتی ندانم از چه به خونت شتاب کرد  
از چه دل جهانی زین غم کباب کرد  
یاد آور مطلع بند یازدهم شعر محتشم.  
راوندی: بر دوستانش هیچ گزند از زمین منه  
دشمنش را بر آتش قهرش سپند کن کز  
محتشم: آن دم فلک بر آتش غیرت سپند شد  
خوف خصم در حرم، افغان بلند شد  
بند هشتم شعر محتشم نیز یادآور اولین بند شعر راوندی است با همان ردیف و قافیه:  
بر حربگاه چون ره آن کاروان فتاد  
شور و نشور و واهمه را در گمان فتاد  
راوندی در این شعر اشاراتی سوزناک به واقعه کربلا دارد؛ مخصوصاً در چهارمین بند که یادآور بند آخر شعر محتشم است: ای چرخ، غافل‌ی که چه بیداد کرده‌ای؛ راوندی سروده: ای چرخ دون ز آل پیمبر چه خواستی؟ (همان: ۳۵۴)

راوندی: آه این چه محنت است که اندر جهان فتاد  
آه این چه واقع است که از ناگهان فتاد  
محتشم: باز این چه شورش است که در خلق عالم است؟  
باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است؟  
محتشم در بند یازدهم از قافیه بند دوم راوندی که «کرد» است تأثیری آشکار پذیرفته. ضمن این که فصاحت و بلاغت ترکیب‌بند محتشم و همچنین «فضل تقدّم» راوندی را نمی‌توان انکار کرد. اگرچه «تقدّم فضل»، تا همیشه متعلق به محتشم است:

راوندی: دریا و کوه بین ز مصیبت رسیدگی  
کین، سنگ دل شد از غم و آن، دیده آب کرد  
محتشم: خاموش محتشم که دل سسنگ آب شد  
بنیاد صبر و خانه طاقست خراب شد

**ج. حسن کاشانی (حدود ۶۸۰-۷۳۸ ق):** مولانا حسن بن محمود کاشانی آملی، معروف به حسن کاشی از شاعران معروف سده هشتم که اختصاصش به مدح ائمه به ویژه حضرت علی (ع) است. جد پدرش از کاشان و مولدش آمل طبرستان از معاصران سلطان محمد خدابنده (۷۰۳-۷۱۶ ق) است. ذوقش را وقف مداحی خاندان رسالت کرده و از مدح دیگران روی گردان بوده است. بنا به تصریح نویسندگان احوال، او زندگانش را به صلاح و تقوا و قناعت و به مدح پیشروان مذهب تشیع می‌گذرانید و شهرت او درین راه چندان بود که برایش قائل به کرامت هم شده‌اند. به زیارت مکه و مدینه و عتبات رفته. ترکیبی در هفت بند در منقبت مولا علی (ع) سروده. (صفا ۱۳۷۱ش، ۳/۷۴۵-۷۴۸؛ شوشتری، ۱۳۷۵ش، ۴۹۰)

آنچه مسلم است سروده‌های آیینی، به ویژه مرثیه‌های حسن کاشانی از نظر شاعران پس از او مخفی نبوده و محتشم نیز در سرودن ترکیب خود به آنها نظر داشته، میرزا عبدالله افندی کتاب شناس بزرگ عهد صفوی شیخ حسن کاشی را یکی از سه نفری می‌داند که در تشیع ایرانیان بسیار تأثیرگذار بوده‌اند. استاد رسول جعفریان (۱۳۸۹ش، ۸) نیز وی را شاعری برجسته می‌داند که تمام ذوق و هنر خود را در سرایش اشعار آیینی و شیعی صرف کرده است. از زمان سلطان محمد خدابنده که هم‌رزوگار شیخ حسن کاشی بود شاعران فراوانی از جمله سلیمی تونی، ابن حسام خوسفی، محتشم کاشانی، پناهی و افنجنگی از او تأثیر پذیرفتند. محتشم به فضیلت او معترف است و سروده:

فصیح بلبل خوش لهجه، کاشی مدآح  
که بود روضهٔ آمل ازو ریاض ارم

شاه تهماست اول نیز از شیفتگان او بود و مزارش را در کنار گنبد سلطانیه تعمیر و آباد کرد. محتشم هفت‌بند و دوازده‌بند خویش را به تقلید از حسن کاشی سرود. هر بند ترکیب حسن کاشی ۱۳ و کلاً ۹۱ بیت دارد و ۵ بند آن مردف است و از اشارات قرآنی و تاریخی مشحون است. (حسن کاشانی، ۱۳۸۹ش، ۱۶۴-۱۶۷)

د. خواجوی کرمانی (۶۸۹-۷۵۰ ق): کمال‌الدین ابوالعطا خواجوی کرمانی مشهور به «نخلبند شعرا» در ۶۸۹ق در کرمان زاده شد. صرف و نحو، لغت و ادب، قرآن و تفسیر، هیأت و نجوم و موسیقی را در زادگاهش آموخت. در ۷۲۶ به یزد در ۷۳۲ به بغداد و سپس به تبریز و آنگاه به همدان و کرمان و فارس رفت و به خاندان اینجو پیوست. بیشتر ایام پایانی عمرش را در شیراز بود. سرانجام در ۷۵۰ق در شیراز وفات یافته، در تنگ الله اکبر به خاک سپرده شد. او با بسیاری از شاعران زمان مروده و دیدار داشت و ممدوحان متعددی در نقاط مختلف داشت. بعضی او را شافعی دانسته‌اند اما در عین ستایش خلفای راشدین قصاید و ترکیب‌بندهایی در منقبت علی بن ابی طالب و ائمه شیعه اثنی عشری با همان اوصاف و القاب مذکور در منابع شیعی دارد و به بعضی از معتقدات خاص شیعه مانند عصمت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) اشاره کرده، در قوالب گوناگون، طبع آزمایی نموده، در موضوعات مختلف شعر دارد و در بسیاری از انواع ادبی از نوآوران است. غزلیاتش تازگی دارند و اشعاری که اوزان خاصی دارد با عنوان «سرود» ابداع کرده، با بیشتر سخن‌سرایان فارسی آشنا بوده است. انواع تقنن در قالب، وزن، تکلف در قافیه و ردیف، اقسام التزامها و... در شعرش دیده می‌شود. (ر.ک. خواجوی کرمانی، ۱۳۷۴ش)

آثار منشورش بیشتر مناظره و مقامات است و منظوماتش عبارتند از: ۱- دیوان در دو بخش کلی، اوج شاعریش در غزل است که با عبارات و اصطلاحات اهل تصوف و عرفان آمیخته، در ۴۸ وزن که بعضی اوزان ابداع اوست. ۲- خمسهٔ خواجو شامل منظومه‌های «همای و همایون، گل و نوروز،

## بررسی ترکیب‌بند عاشورایی محتشم کاشانی با تکیه بر اثرپذیری از پیشینیان

روضه‌الانوار، کمال‌نامه، گوهرنامه»، ۳-گزیده اشعار (عابدی، ۱۳۸۸ش، «خواجوی کرمانی») وی ترکیبی هفده بندی با عنوان «فی نعت سلطان الانبیاء و مناقب الائمه اثنا عشر» دارد؛ (ر.ک. خواجوی کرمانی، ۱۳۷۴ش، ۵۷۹) بند هفتمش در مورد سیدالشهداست (همان: ۵۸۱):

به حلق تشنه آن رشک غنچه سیراب      که رخ به خون جگرشوید از غمش عَناب  
در ادامه نیز در هر بند یکی از ائمه را ستایش می‌کند. همچنین در یکی از ترکیب‌بندهای خود که در توحید و مناقب خلفا سروده، بندی را به سیدالشهدا اختصاص داده. (همان: ۵۷۵) نام خواجو به عنوان پیشکسوت پرداختن به مناقب بزرگان دین با بهره‌جویی از قالب ترکیب‌بند قابل ملاحظه است، «قرن هشتم عصر مُدارای فرقه‌های مذهبی است و اگرچه شیعه به عصر فراوانی و حضور خود نزدیک می‌شده است، ولی هنوز غلبه با اهل سنت بوده. خواجو اگرچه شیعه اثنی عشری است اما مدح خلفای راشدین را نیز در دیوان خود دارد.» (کافی، ۱۳۸۸ش، ۱۷۵) در ترکیب‌بندی جامع از توحید آغاز کرده، پس از مدح پیامبر و خلفا و سبطین، به یاد کرد حمزه و عباس عموهای رسول(ص) ختم کرده، او در جای جای دیوانش از عاشورا و شهادت امام حسین(ع) یاد کرده است. خواجو از اولین شاعرانی است که از ترکیب‌بند برای پرداخت شعر مذهبی و سوگنامه بهره برده بنابراین طبیعتاً محتشم از اسلوبش متأثر شده، اگرچه محتشم، از پیشروان خود یاد نکرده است.

ه. آذری طوسی (۷۸۳-۸۶۶ ق): شیخ فخرالدین حمزه بن علی بیهقی متخلص به «آذری» از مشاهیر مشایخ و شعرای قرن نهم است که بخشی از روزگار خود را در هند و بیشتر را در ایران سپری کرد. (صفا، ۱۳۷۱ش، ۴/۳۲۳) از جوانی به شاعری و مدح شاهان روی آورد. شاهرخ وی را ملک‌الشعراى دربار خود برگزید. سپس قدم در مسیر عرفان نهاده، به مکه رفت و در حلقه مریدان شاه نعمت الله ولی پیوست آنگاه به هندوستان رفت و ملک‌الشعراى دربار احمدشاه بهمنی دکن گردید و «بهمن‌نامه» را به نظم آورد. سی سال آخر عمرش را در اسفراین به سیر و سلوک گذراند و در ۸۲ سالگی وفات یافت. آثار زیادی از او به ما رسیده از جمله دیوان اشعارش (شامل غزلیات و قصاید و ترجیع‌بند و ترکیب‌بند و مثنوی و رباعیات) بیشتر قصایدش در مدح و منقبت اهل بیت(ع) سروده شده و غزلیاتش عرفانی است. (مرشد امامی، ۱۳۸۴ش، «آذری طوسی») وفات او به سال ۸۶۶ ق اتفاق افتاده. (صفا، ۱۳۷۱ش، ۴/۳۲۶) کلام آذری ساده و خالی از تصنع و تکلف و به شیوه سعدی، حافظ و امیر خسرو دهلوی است. سروده‌های نخستینش قصیده‌هایی در ستایش شاهان است ولی بعدها رنگ عرفانی گرفت. (مظهر، ۱۳۸۴ش، «آذری طوسی»)

در الذریعه (۱۴۳۰ق، ۱/۹/۵) تصریح شده که در دیوان آذری ترکیب‌بندی در رثای امام حسین(ع) آمده. از دیوان آذری نسخه‌های فراوانی در داخل و خارج ایران موجود است و ترکیب‌بند عاشورایی

او سرمشق شاعران پس از خود به ویژه محتشم کاشانی قرار گرفته است. محتشم در معنی و وزن و قافیه و ردیف بسیار از این سروده بهره برده است. ترکیببند آذری در ۹ بند سروده شده (ر.ک. آذری اسفرائینی، ۱۳۹۰ش) با مطلع:

ای دل، حیات، ماه محرم حرام شد      آری حساب عمر درین مه تمام شد

و. ابن حسام خوشفی (۷۸۲-۸۷۳ ق): محمدبن حسام الدین حسن متخلص به «ابن حسام» از شاعران شیعی سده نهم در ۷۸۲ یا ۷۸۳ ق در روستای خوسف زاده شد. از تربیت پدر بهره‌ها گرفت و از عالمان زمان کسب فیض نمود. در صرف و نحو، معانی و بیان و نجوم تاریخ و تفسیر و حدیث تبخر داشته است. در ۸۷۳ ق وفات یافت. از او دیوانی در ۱۰۸۴۴ بیت در انواع قوالب شعری و مثنوی ۲۲۵۰۰ بیتی «خاوران‌نامه» که حماسه مذهبی است در بحر متقارب و «نثر اللالی» که ترجمه منظوم یکصد کلمه قصار علی (ع) است باقی مانده. قصاید متعددی در منقبت پیامبر و ائمه دارد. اشاره به آیات و احادیث و اخبار و سیر و مسائل صرفی و نحوی و نجومی و موسیقی و حتی نکات خوشنویسی، مکرر در شعرش دیده می‌شود. سبک مستقلی ندارد و بیشتر متأثر از متقدمین است. در استفاده از ردیف‌های دشوار و متنوع و به کارگیری آرایه‌های مختلف ادبی اصرار دارد. دیوانش تجلیگاه صنایع بدیعی و از جمله آرایه‌های دشوار است. (غلامرضایی، ۱۳۸۴ش، «ابن حسام») وی در ژمره شاعران انگشت‌شمار آیینی است که آثارش سرشار از مفاهیم ارزشی و معنوی با ساختار لفظی محکم و استوار است. (مجاهدی، ۱۳۸۶ش، ۱۳۲) علاوه بر قصاید فاخر و ماندگار آیینی دارای سه ترکیببند بدیع و زیبای مهدوی است، موسوم به «مناقب هفت رنگ» که از امهات شعر مهدوی فارسی است. او قصاید ماتمی و مناقبی شیوایی در سوگ و مدح سالار شهیدان دارد لذا در بالندگی شعر آیینی در زبان فارسی نقشی تعیین کننده دارد. مطلع سه قصیده او در سوگواری و مدح حضرت سیدالشهدا این ابیات است (ابن حسام، ۱۳۶۶ش، ۲۲۳-۲۳۲):

۱- قندیل آفتاب کزو عرش را ضیاست      تاب شعاع روضه مظلوم کربلاست. دانی

۲- ای باد صبحدم خبر یار من بیار      چه خوش بود خبر یار من، بیار

۳- دلم شکسته و مجروح و مبتلای حسین      طواف کرد شبی گرد کربلای حسین

از خصوصیات اشعارش که مورد اقبال محتشم قرار گرفته استفاده از ترکیببند برای ساخت سوگنامه‌هاست. برخلاف آنچه در چند موضع کتاب شرح منظومه ظهر آمده او ترکیببند عاشورایی ندارد ولی در این قالب چندین مرثیه دارد. (همان: ۲۹۵) مثلاً در مرثیه مولانا نظام‌الدین هشت بند سروده که از نظر بحر عروضی و وزن شعری مانند شعر محتشم است. (همان: ۲۹۸)

دوش در مسجد شدم محراب و منبر می‌گریست      بنگریدم سوی گردون ماه‌واختر می‌گریست

ز. شاه‌داعی شیرازی (۸۱۰-۸۷۰ ق): نظام الدین محمود بن حسن المحسنی معروف به «شاه داعی» یا «داعی الی الله» از نوادگان داعی صغیر، چهارمین امیر سلسله علویان طبرستان است. در ۸۱۰ ق در شیراز زاده شد. در جوانی دست ارادت به شیخ مرشدالدین ابواسحاق داد و مدتی در محضر شاه نعمت الله ولی کرمانی گذراند، در ۸۶۷ یا ۸۷۰ ق در شیراز وفات یافت. شغلش وعظ و ارشاد خلق بود. عموماً در آن دوره (پیش از قرن نهم) لقب «شاه» مخصوص صوفیانی بوده که سیادت داشتند. شاه داعی از نعمت الاهیّه بوده و از جمله شاعران روزگار خویش که آثار بدیعی خلق کرده، از او آثار منثور و منظوم فراوانی در دست است از جمله مثنوی‌های شش‌گانه مشهور به «سنّه داعی»، دیوان‌ها، ساقی‌نامه و شانزده رساله به نثر. او «داعی» و «نظامی» تخلص می‌کرده و از جمله شاعرانی است که در مصیبت شهیدان کربلا اشعار متعدّد سروده است. علاوه بر اطلاعات وسیعش از ادب و علوم شرعی، مشرب تصوّف داشت و به دو زبان فارسی و عربی و لهجه محلی شیراز شعر می‌ساخت. دیوانش دارای ۱۳۶۵۸ بیت شعر است. به سال ۸۶۵ ق خود دیوانش را جمع‌آوری کرده است. این شاعر با زبانی ساده و روان و به آسانی، معانی عرفانی و وجد و حال‌های خود را در شعر منعکس می‌ساخت. (ر.ک. صفا، ۱۳۷۱ ش، ۴/ ۳۳۳-۳۳۹) در ساخت ترکیب‌بند آیینی از متقدمان محتشم کاشانی است.

او شاعری متوسط است و تقریباً طراوت و تازگی خاصی در بیان و زبان و مضمون و درونمایه اشعارش نیست ولی در شعر صوفیانه و تعلیمی گشاده زبان‌تر است؛ نظر به مولد و ارادتش به شاه نعمت الله باید شیعه باشد. در کتب مناقب او که بخشی از کلیّات شاه داعی است ترکیب‌بندی در پنج بند و ۳۰ بیت وجود دارد در بحر و وزنی که بسیاری از شاعران از جمله محتشم برای ساخت ترکیب‌بندش از آن بهره برده. ترکیبش از تلمیحات قرآنی و حدیثی و تاریخی بسیار غنی است و ساختار محکم و قابل قبولی دارد. تمام بندهای آن با اسامی مقدّس «مصطفی، علی، فاطمه، حسن و حسین» مردّف است و این درحالی است که اکثراً ردیف‌های ترکیب‌بندهای عاشورایی ردیف فعلی است نه اسمی. به جز تشبیه و تلمیح و کنایه، اغراق هم از آرایه‌های پرکاربرد این سروده است. مطلع بند پنجم شعرش در منقبت و بزرگداشت امام حسین (ع) این گونه است. (شاه داعی شیرازی، ۱۳۳۹ ش، ۷۸):

آنان که دیده حاصل دنیا و دین حسین      گریند برامان زمان و زمین حسین

ح. اهلی شیرازی (۸۵۸-۹۴۲ ق): شیخ محمد بن یوسف بن شهاب از شعرای شیعی قرن نهم و دهم و زاده شیرازست. دربارهای تیموری، ترکمانان و صفوی را دیده، چندی در خدمت سلطان حسین بایقرا در هرات و سلطان یعقوب در تبریز بود. با ظهور شاه اسماعیل به درگاهش شتافت و



مثنوی «سحرِ حلال» را به نام او در ۵۲ بیت ساخت که ذوبحر عروضی و ذوقافیتین و ذوجناسین است. در سرودن آن به دو منظومه «مجمع البحرین» و «تجنیسات» کاتبی نظر داشته است. وی ۹۴۲ق از دنیا رفت و در کنار مزار حافظ آرمید. با شاعرانی چون هلالی، شهید قمی، مکتبی شیرازی، هاتفی خرجردی، اهلی خراسانی و امیدی تهرانی معاصر بوده. (نظمی تبریزی، ۱۳۸۶ش، ۴۸ - ۴۹) کلیات اشعار اهلی شامل غزلیات، قصاید، ترکیب‌بندها، ترجیع‌بندها و... است. سبک شعرش عراقی و اشعار آیینی به ویژه هفت‌بندش در رثای شهدای کربلا، رسا و شیواست.

ترکیبی در چهارده بند دارد در بحرِ رمل مثنیٰ مخذوف، تمام بندها مردّف است به ردیف‌های: «خدا، مصطفاست، مرتضی، حسن، حسین، زین العابدین، باقرست، جعفرِ صادق بود، موسی کاظم بود، علی موسی الرضاست، تقی است، نقی عسگری است، مهدی است و اهل بیت». شاعر در هر بند دست به دامان یکی از معصومین می‌شود. شعرش از لحاظ موسیقی کناری، بیرونی و درونی قابل اعتناست و ردیف‌ها و قوافی تأثیرگذاری دارد که خواننده را به هم‌نوایی دعوت می‌کند. بندهای پنج و شش، به ماجرای عاشورا اشاره دارند:

چون ز عالم تشنه لب شد سرو آزاد حسین کار ما از گریه سقایی است بر یاد حسین  
با توجه به آثار و دوره حیات اهلی او در سبک پیشگامان محتشم در سرایش ترکیب‌بندهای آیینی است. (ر.ک. جدیدی، ۱۳۹۴ش، ۱۳۵)

**ط. بابافغانی (حدود ۸۵۰ تا ۹۲۳ یا ۹۲۵ ق):** بابافغانی شیرازی، مشهور به «حافظ کوچک» از شاعران غزلسرای مشهور قرون نهم و دهم است. مدتی به دلیل شغل کارگری تخلص «سکاک» داشت ولی بعد «فغانی» را برگزید. تا حدود سی سالگی در زادگاهش بود. سپس به خراسان و هرات رفت و خدمت جامی و بعضی شاعران روزگارش رسید. بعد به آذربایجان رفت و مورد توجه واقع شد. آنگاه به شیراز بازگشت و در اوایل نهضت شاه اسماعیل صفوی به خراسان رفت و در ۹۲۲ یا ۹۲۵ در مشهد درگذشت و در قدمگاه به خاک سپرده شد. وی اقسام شعر از قصیده، غزل و ترکیب‌بند و ترجیع‌بند را نیکو می‌ساخت، قصاید ساده و روانش، بیشتر در مدح ائمه اطهار خاصه مولا علی و امام رضا بود، غزلیاتش نیز دل‌پذیرست. در صُحف ابراهیم گفته شده که، محتشم، نظیری، عرفی، ضمیری، وحشی و حکیم رکن، مسیح کاشی همه مقلد و متبّع فغانی بوده‌اند. وی پیشرو شاعران قرن دهم و مسلماً از بنیانگذاران سبک هندیست. (ر.ک. صفا، ۱۳۷۱ش، ۴ / ۴۱۱ - ۴۱۴) سبک این چهره ممتاز شعر دوره تیموری سال‌ها الگوی غزلسرایان سده دهم بوده، برخی «سبک وقوع» را متأثر از شیوه بیانی او دانسته‌اند. (مجاهدی، ۱۳۷۹ش، ۸۰) بابافغانی از جمله پیشگامان مرثیه مذهبی پیش از محتشم محسوب می‌شود. (کافی، ۱۳۸۸ش، ۲۱۰) در دیوانش غزلی ۱۲ بیتی پس از ترکیب‌بند عاشورایی او

## بررسی ترکیب‌بند عاشورایی محتشم کاشانی با تکیه بر اثرپذیری از پیشینیان

قرار گرفته که به اشتباه آن را جزوه ترکیب‌ش حساب کرده‌اند در حالی که تعداد ابیاتش با بندهای ترکیب‌بند متفاوت است و بیت فاصله (گره) ندارد. او دارای طرز تازه‌ای است که اهل تذکره بدان اشاره کرده‌اند. (همان: ۲۲۵) پیش از محتشم در مرثیهٔ اباعبدالله ترکیب‌بند سروده و در آن از «کربلا» به عنوان ردیف استفاده کرده. شیوهٔ غزل سرایش، بدون پیچیدگی بیانی و محتوایی است، در آنها ترکیباتی دلنشین، بیانی صمیمی و پرشور و معانی روشن و دلپذیری را شاهدیم که به آسانی با آدمی ارتباط حسی و عاطفی برقرار می‌کنند. محتشم در آغاز کار از شیوهٔ بیانی فغانی پیروی می‌کرد. بعضی مقلدان او نیز با رویکرد جدی به خلق مضامین بکر و دور از ذهن تدریجاً «سبک اصفهانی» را پایه‌ریزی کردند.

او در ترکیب ماتی و مناقبی خود در چهار بند اول به مرثیهٔ سیدالشهدا و در بند پنجم به منقبت حضرت ولی عصر روی آورده است. (ر.ک. مجاهدی، ۱۳۸۶ش، ۱۲۹-۱۳۲) وزن و بحر این ترکیب ۴۷ بیتی همچون ترکیب محتشم است. بعضی واژگان کم کاربرد مثل عشور، سموم، ذبول و مهچه در آن استفاده شده، اما روی هم رفته زبانش ثقیل نیست. مطلع آن یادآور عاشورا و قیامتست (بابافغانی، ۱۳۵۳ش، ۵۷):

صبح قیامت است صبح عشور تو ای تا صبح روز قیامت ظهور تو

تناسب واژه‌های صبح، صبح و روز و اشتقاق صبح و صباح و تکرار صباح و قیامت همگی در نگاه اول به چشم می‌آید. این که ماتم حسین (ع) تا قیامت ظهور دارد یادآور حدیث معروف پیامبر (ص) است که فرمودند: إِنَّ لِقَاتِلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا (بروجردی، ۱۳۸۰ش، ۵۵۶/۱۲). در بیت دوم امام را نوری از شجر وادی نجف، علی (ع) و هر ریگ کربلا را طوری از نور او می‌داند؛ یادآور آیات ۹ تا ۱۵ سوره طه، که داستان حضور موسی در کوه طور و شنیدن خطاب الهی در آن مکان مقدس است. در ابیات بعد از پیمان حسین با خدا و ارجمندی وی و بلایی که بر سرش آمده سخن رفته است، او را طوطی فصیح ادب‌خانهٔ رسول می‌داند که به عزم رفتن به مُلکِ اَبَد آهنگ سفر کرده. گروهی که از شراب جهنم مست بودند در شهادت او شادی نمودند و سر از تنش جدا کرده، در تشنه و تنوری انداخته‌اند. پایان‌بخش بند این بیت زیباست:

پروانه نجات شهیدان محشر است مَهْرِ طلا ببین، شده گلگون کربلا

درک مفاهیمی که در مورد امام حسین و ظلم به او شده برخلاف بسیاری از مرثیه‌ها از این دست کمی دشوار به نظر می‌آید اما بیشتر مطالب بوی تازگی دارد. بند سوم نیز «تو» یعنی حسین (ع) طرف گفتگوی شاعر است که ماجرای او ارادهٔ الهی و قضای حق است:

ای رفته با دهان و لب تشنه از میان آب حیات در قدم جان فزای تو

غریبان با حسین، بیگانگان با خدا و رسولند؛ رضای الهی در رضای اوست و او کلید بهشت است که زیارت حرمش بر همه واجب شده. بند چهارم شاعر لب به سرزنش و عتاب با ابن زیاد گشوده که در هوای مُلکِ ری سری که خون بهایش جهانی است را از تن جدا کرده، در ادامه یزید که پرورده شیرِ سگ است را فرمانده او می‌داند:

پرورده گشت خون یزیدی به شیر سگ      این خشم و نقض و کینه ازین امتزاج بود  
در پایان دشمنان اهل بیت را اهل نفاق می‌داند که به زر و تاج این دنیا فریب خوردند و در  
مقابلشان اصحاب صفّه بودند که به معراج رسیدند. بند پنجم با لحنی فلسفی آمیخته شده و شاعر  
اذعان دارد نور حسین، نور خداست که خاموشی ندارد، یادآور آیات ۳۲ توبه و ۸ صفّ. آنگاه از ظهور  
حضرت صاحب (عج) و یکی شدن نور دوازده ماه و انشای خطبه به نام دوازده امام سخن می‌گوید:  
سگان هفت خطبه به آیین دورگشت      انشا کنند خطبه به نام چهار و هشت  
(باباغانی، ۱۳۵۳ش، ۵۹)

### نتیجه

ترکیب بند محتشم کاشانی مشهورترین مرثیه شعر فارسی است، سادگی بیان و صمیمیت و روانی ابیات و بهره جویی از قالبی مناسب که در مرثی فارسی سابقه خوبی داشته آن را زبانزد خاص و عام کرده. این شعر نظر کرده که در آن ابتکار و نوآوری چندانی هم دیده نمی‌شود با ساختار زیبایش - که در حقیقت از کنار هم قرار گرفتن غزل‌هایی هموزن و سوزناکی سامان یافته - به حدی اثرگذار است که شنوندگان را سخت تحت تأثیر قرار داده و می‌دهد. با توجه به آنچه گذشت معلوم شد، پیش از شاعر کاشانی، شاعرانی همچون خاقانی، خواجه کرمانی، راوندی، حسن کاشی، آذری طوسی و فغانی... برای بیان مرثی شخصی و سوگنامه‌ها و مناقب آل‌الله از این قالب و شیوه بهره برده‌اند. در آفرینش شاهکارهای ادبی معمولاً آثار انگشت نما بر گذشته قابل اعتنایی تکیه می‌کنند و سروده محتشم نیز همین گونه است. وی با تکیه بر آثار فاخر پیشین و هنرمندی خود توانسته شعری بسراید که به دلیل زیبایی و اثرگذاری و جذابیت بر قریب به اتفاق مرثیه سرایان شعر فارسی بعدی اثر گذارد. از میان ترکیب‌بندهای پیش از محتشم و شاعران فراوانی که از عهد صفویه تا امروز به استقبال این سروده رفتند هیچ یک به شهرت و مقبولیت سوگ‌سروده شاعر کاشانی نرسیدند و همین امر لزوم توجه بیشتر به این مرثیه را دو چندان می‌کند.

### منابع

#### الف: کتاب‌ها

۱. قرآن کریم (۱۳۷۶ش)، ترجمه و توضیحات بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: جامی و نیلوفر

بررسی ترکیب‌بند عاشورایی محتشم کاشانی با تکیه بر اثرپذیری از پیشینیان

۲. ابن حسام، خوسفی (۱۳۶۶ش)، *دیوان ابن حسام خوسفی*، به کوشش احمدی بیرجندی و سالک، مشهد: اوقاف و امور خیریه
۳. ابن طاووس، سید ابوالقاسم (۱۳۸۱ش)، *لهوف*، ترجمه عباس عزیزی، قم: عترت
۴. آذری اسفراینی، حمزه (۱۳۸۹ش)، *دیوان آذری اسفراینی*، به کوشش محسن کیانی، سید عباس رستخیز، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی
۵. آقابزرگ تهرانی (۱۴۳۰ق)، *الدَّرِيعَةُ الی تصانیف الشَّيخِ (۲۶ جلدی)*، بیروت: دار احیاء التَّراث العربی
۶. انسانی، علی (۱۳۸۲ش)، *چراغ صاعقه*، تهران: جمهوری
۷. بابا فغانی، شیرازی (۱۳۵۳ش)، *دیوان اشعار بابا فغانی*، به تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران: شرکت نسبی اقبال و شرکا، چاپ دوم
۸. بروجردی، سیدحسین (۱۳۸۰ش)، *جامع الاحادیث شیعه*، تهران: مهر
۹. جدیدی، حمیدرضا (۱۳۹۲ش)، *اشک حماسه، ناحیه مقدسه و زیارت عاشورا*، ترجمه نظم و نثر و توضیح اعلام و...، قم: برگزیده
۱۰. جدیدی، حمیدرضا (۱۳۹۴ش)، *بند بند عشق*، نگاهی به تاریخ، شعرا و ترکیب بندهای عاشورایی، کرج: چکامه باران،
۱۱. جدیدی، حمیدرضا (۱۳۹۵ش)، *عطش، آتش و فرات*، کرج: چکامه باران، چاپ دوم
۱۲. حسن کاشی (۱۳۸۹ش)، *دیوان حسن کاشی*، به کوشش سید عباس رستخیز، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی
۱۳. خاقانی، افضل‌الدین (۱۳۷۳ش)، *دیوان خاقانی شروانی*، به کوشش ضیاء‌الدین سجادی، تهران: زوار، چاپ چهارم
۱۴. خواجوی کرمانی (۱۳۷۴ش)، *دیوان کامل خواجو*، به کوشش سعید قانعی، تهران: بهزاد
۱۵. درگاهی، حسین؛ انواری، محمدجواد؛ طالعی، عبدالحسین (۱۳۷۸ش)، *شورش در خلق عالم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۱۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۴ش)، *امثال و حکم*، تهران: امیرکبیر
۱۷. راوندی، محمد بن علی بن سلیمان (۱۳۶۴ش)، *راحه‌الصدور و آیه‌السرور*، به کوشش محمد اقبال و مجتبی مینویی، تهران: امیرکبیر
۱۸. زرینکوب، غلامحسین (۱۳۷۵ش)، *از گذشته ادبی ایران*، تهران: بین‌المللی هدی

۱۹. شاه داعی شیرازی، نظام‌الدین محمود (۱۳۳۹ش)، *کلیات شاه داعی*، تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران: معرفت.
۲۰. شریفی، محمود؛ زینالی، سیدحسین و... (۱۳۹۰ش)، *فرهنگ جامع سخنان امام حسین (ع)*، ترجمه علی مؤیدی، قم: معروف.
۲۱. شفیعی مازندرانی، سیدمحمد (۱۳۸۰ش)، *آوای عاشورا*، قم: اسلامی.
۲۲. شوشتری، قاضی نورالله (۱۳۷۵ش)، *مجالس المؤمنین*، به کوشش سیداحمد کتابچی، تهران: اسلامی.
۲۳. شیخ مفید (۱۳۹۶ش)، *الارشاد*، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سیزدهم.
۲۴. صدری نیا، باقر (۱۳۸۰ش)، *فرهنگ مأثورات متون عرفانی*، تهران: سروش.
۲۵. صفا، ذبیح الله (۱۳۷۱ش)، *تاریخ ادبیات در ایران*، دوره ۵ جلدی، تهران: فردوس.
۲۶. طوسی، نصیرالدین (۱۳۴۸ش)، *ترجمه صورالکواکب عبدالرحمان صوفی*، تهران: دانشگاه تهران.
۲۷. قمی، ابوالقاسم جعفر (۱۳۸۴ش)، *کامل الزیارات*، ترجمه سید محمدجواد ذهنی تهرانی، تهران: پیام حق.
۲۸. قمی، شیخ عباس (۱۳۸۱ش)، *مفاتیح الجنان*، تصحیح و ترجمه سید محمد حسین سجاد، اصفهان: مؤسسه ثامن الائمه.
۲۹. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۱۳ش)، *تفسیر قرآن قمی*، (ج ۱ و ۲)، تصحیح محمدرضا مستوفی و محمدکاظم رشتی، قم: دارالکتاب.
۳۰. کافی، غلامرضا (۱۳۸۸ش)، *شرح منظومه ظهر، نقد و تحلیل شعر عاشورایی از آغاز تا امروز*، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
۳۱. مجاهدی، محمدعلی (۱۳۷۹ش)، *شکوه شعرعاشورا در زبان فارسی*، قم: مرکز تحقیقات سپاه.
۳۲. مجاهدی، محمدعلی (۱۳۸۶ش)، *کاروان شعر عاشورا*، قم: زمزم هدایت.
۳۳. مجلسی، علامه محمدتقی (۱۴۰۳ق)، *بحارالانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء و دارالاحیاء التراث العربی.
۳۴. محتشم کاشانی (۱۳۸۰ش)، *هفت دیوان محتشم کاشانی*، مقدمه و تصحیح و تعلیقات عبدالحسین نوایی و مهدی صبری، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

بررسی ترکیب‌بند عاشورایی محتشم کاشانی با تکیه بر اثرپذیری از پیشینیان

۳۵. محتشم کاشانی (۱۳۸۵ش)، *دیوان محتشم کاشانی*، به کوشش اکبر بهداروند، تهران: نگاه

محدثی، جواد (۱۳۸۶ش)، *فرهنگ عاشورا*، قم: معروف

۳۶. یان ریپکا (۱۳۸۳ش)، *تاریخ ادبیات ایران*، مترجم ابوالقاسم سری، تهران: سخن

۳۷. یوسفی، غلامحسین (۱۳۸۸ش)، *چشمه روشن*، تهران: علمی

#### ب: مقالات

۳۸. آل بویه‌لنگرودی، عبدالعلی؛ انصاری، نرگس؛ اصانلو، سمیه (۱۳۹۲ش)، *بررسی مفهومی قصیده سید مهدی بحرالعلوم و مقایسه آن با ترکیب‌بند محتشم کاشانی*، *کاوشنامه ادبیات تطبیقی*، کرمانشاه، دانشگاه رازی، س ۳، ش ۱۰، صص (۲۲-۱)

۳۹. بهداروند، اکبر (۱۳۸۵ش)، *مقدمه دیوان محتشم کاشانی*، تهران: انتشارات نگاه

۴۰. ترکی، محمدرضا (۱۳۸۸ش)، *خاقانی شروانی، دانشنامه زبان و ادبیات فارسی*، ج ۳، زیر نظر

اسماعیل سعادت، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، صص (۵-۲)

۴۱. جعفریان، رسول (۱۳۸۹ش)، *مقدمه بر دیوان کمال‌الدین حسن کاشی*، تهران: انتشارات کتابخانه

مجلس شورای اسلامی

۴۲. رکنی، محمود (۱۳۷۱ش)، *محتشم و فنّ رثا، مجله ادبستان*، تهران، ش ۳۲، صص (۲۶-۲۴)

۴۳. سادات ناصری، حسن (۱۳۵۳ش)، *زندگی‌نامه خداوند مرثیه‌سرایان (محتشم کاشانی)*، تهران،

*مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، س ۲۰، ش ۳-۴، صص (۱۲۳-۸۷)

۴۴. سادات ناصری، حسن (۱۳۶۴ش)، *به آیین‌ترین مرثیه، کیهان فرهنگی*، تهران، سال دوم؛ شماره

۷، شماره پیاپی ۱۹، صص (۲۷-۲۲)

۴۵. شکوهی، فریبا (۱۳۸۸ش)، *راوندی، دانشنامه زبان و ادبیات فارسی*، ج ۳، زیر نظر اسماعیل

سعادت، تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، صص (۲۹۴-۲۹۵)

۴۶. عابدی، محمود (۱۳۸۸ش)، *خواجه‌جوی کرمانی، دانشنامه زبان و ادبیات فارسی*، ج ۳، زیر نظر

اسماعیل سعادت، تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، صص (۷۰-۶۵)

۴۷. غلامرضایی، محمّد (۱۳۸۴ش)، *ابن حسام قهستانی، دانشنامه زبان و ادب فارسی*، ج ۱، زیر نظر

اسماعیل سعادت، تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، صص (۹۸-۹۷)

۴۸. کوره‌ای، فریدون؛ ماهیار، عباس (۱۳۹۱ش)، *نگاهی به مقاتل حسین بن علی (ع) و ترکیب‌بند*

*محتشم کاشانی*، *فصلنامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)*، کرج، دوره ۴،

شماره ۱۲، صص (۳۰۱-۲۷۷)

۴۹. مرشد امامی، سپیده (۱۳۸۴ش)، آذری طوسی، *دانشنامه زبان و ادبیات فارسی*، ج ۳، زیر نظر اسماعیل سعادت، تهران، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، صص (۳۶-۳۸)
۵۰. مظهر، محمد سلیم (۱۳۸۴ش)، آذری طوسی، *دانشنامه زبان و ادبیات فارسی در شبه قاره*، ج ۱، تهران، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، صص (۲۴-۲۵)
۵۱. نظمی تبریزی، علی (۱۳۸۶ش)، *دویست سخنور (تذکره الشعراء منظوم و منثور)*، تبریز، نشر یاران
۵۲. نیرتهرانی، حسن (۱۳۷۳ش)، *مقاله محتشمیه*، تهران، *مجله ادبستان*، ش ۵۴، ص ۲۴